

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و

ارسال رایگان

Medabook.com

+



مدابوک



یک جله تماس تلفنی رایگان

با مشاوران رتبه برتر

برای انتخاب بهترین منابع

دبیرستان و کنکور

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۲۱۰



# درس چهارم بهاری که می‌رسد از راه

روشن و گرم و زندگی‌پرداز  
هر چه سرما و هر چه دل‌سردی  
با نسیمی که زندگی در اوست  
بر درختی، شکوفه‌ای خندید  
با بهاری که می‌رسد از راه  
مثل یک شاخه گل، جوانه بزن  
زندگی بر تو می‌زند لبخند  
بہتر از هر چه هست در دنیا

آسمان مثل یک تبسم شد  
پر زد آهسته، از نظر گم شد  
باز چشم جوانه‌ای وا شد  
در کتابی، بهار معنا شد  
سبز شو، تازه شو، بهاری شو  
مثل یک چشمه سار، جاری شو  
هست وقت شکفتنت امروز  
با خدا رازگفتنت امروز

(با فرارسیدن بهار) آسمان، روشن و گرم و سرزنده، همانند لبخند زیبایی شد.

همه‌ی سرما و همه‌ی ناامیدی‌ها (با فرارسیدن بهار) آرام آرام همانند پرنده‌ای به پرواز درآمد و رفت.

با وزش نسیم بهاری که سرشار از زندگی است، دوباره جوانه‌ی درخت، انگار که از خواب برخاسته باشد، نمایان شد. بر روی درختی شکوفه‌ای باز شد و در کتابی درباره‌ی معنی فصل بهار سخن گفته شد.

تو نیز همراه با بهاری که از راه رسیده، سرسبز و شاداب و بهاری شو.

همانند یک شاخه‌ی گل جوانه بزن و مانند رودی، بر روی زمین به حرکت دریا و جاری شو.

اکنون فصل بهار است و زندگی به تو لبخند می‌زند (و به تو می‌گوید): اکنون، زمان شکوفایی و تازه شدن است.

اکنون راز و نیاز با خدا و عبادت، از هر کاری در دنیا بہتر است.

## کلمه و ترکیب‌های مهم

تبسم	لبخند، خندیدن	علائق	جمع علاقه، وابستگی‌ها، دلبستگی‌ها
دل‌سردی	یأس، ناامیدی، افسردگی	چالاکی	سرعت، فرزی، تندی و تیزی
پرزدن	کنایه از رفتن و دور شدن	تأمل	درنگ و اندیشیدن
انتقال	جابه‌جایی	بصیرت	بینایی، هوشیاری، زیرکی
فراز و فرود	بلندی و پستی	مهارت	استادی و زبردستی
سرشار	لبریز و پُر	حسرت	افسوس خوردن، پشیمانی، اندوه بر گذشته
زندگی‌پرداز	زندگی‌پردازنده، کسی که به زندگی می‌پردازد، سرزنده و شاداب	کیمیا	علم شیمی در روزگاران کهن، هر چیز نادر و کمیاب، آن‌چه دیر و دشوار به دست آید
استقلال	برپای خود ایستادن، به‌خودی‌خود کاری را انجام‌دادن، وابستگی‌نداشتن	رویا	آن‌چه در خواب بینند، کنایه از چیزی دوست‌داشتنی و شیرین

## هم خانواده‌ها

تبسم	ابتسام، مُتبسم، بسیم	رؤیا	رؤیت، ارائه
جاری	جریان، مجرا، اجرا، مجری	علاق	علاقه، تعلق، متعلق
انتقال	نقل، ناقل، منقول، منتقل	تأمل	أمل، آمال
ادامه	دوام، دائم، تداوم، مداوم، مدام	بصیرت	بصیر، مبصر، بصر، باصره
استقلال	مستقل	مهارت	ماهر

## دش‌های زبانی و ادبی

### نهاد

در درس پیشین درباره‌ی شناسه که از اجزای تشکیل‌دهنده‌ی فعل است، سخن گفتیم. اکنون به این مثال‌ها توجه کنید:

زندگی بر تو لبخند می‌زند.

شکوفه‌ای بر درختی می‌خندد.

نوجوانی ارزشمند است.

فعل «می‌زند» به «زندگی» نسبت داده شده‌است؛ اگر پرسیم: «چه یا که لبخند می‌زند؟» در جواب خواهیم شنید: زندگی. فعل «می‌خندد» به «شکوفه‌ای» نسبت داده شده‌است؛ اگر پرسیم: «چه یا که می‌خندد؟» در جواب خواهیم شنید: شکوفه‌ای. فعل «است» به «نوجوانی» نسبت داده شده‌است؛ اگر پرسیم: «چه یا که ارزشمند است؟» در جواب خواهیم شنید: نوجوانی. زندگی، شکوفه‌ای و نوجوانی نهاد هستند.

«نهاد قسمتی از جمله است که فعل جمله به آن نسبت داده شده‌است.»

**نکته ۱:** شخص و شمار نهاد، با شخص و شمار فعل یکسان است؛ یعنی فعل اول شخص مفرد، نهادش هم اول شخص مفرد است، فعل دوم شخص مفرد، نهادش هم دوم شخص مفرد است و الی آخر ...؛ مانند:

من خندیدم تو خندیدی او خندید ما خندیدیم شما خندیدید ایشان خندیدند

**نکته ۲:** نهاد در همه‌ی شخص‌ها می‌تواند به شکل ضمیر بیاید (مثال بالا)، در سوم شخص مفرد و جمع، به صورت اسم هم می‌آید:

شکوفه خندید شکوفه‌ها خندیدند

در اول شخص جمع، دوم شخص جمع و سوم شخص جمع می‌تواند به صورت ترکیبی از ضمیر و اسم و یا دو ضمیر بیاید؛ مانند:

من و تو خندیدیم من و شکوفه‌ها خندیدیم

تو و او خندیدید تو و شکوفه‌ها خندیدید

او و آن‌ها خندیدند او و شکوفه‌ها خندیدند

**نکته ۳:** گاهی برای احترام، نهاد مفرد را با فعل جمع به کار می‌برند:

پیامبر اکرم (ص) فرمودند.

آقای مدیر تشریف آوردند.

**نکته ۴:** اگر نهاد، غیرجاندار و جمع باشد، می‌توان فعل را به صورت مفرد هم به کار برد؛ مانند:

کتاب‌ها از روی قفسه ریختند. کتاب‌ها از روی قفسه ریخت.



### مراعات نظیر

قرار بود کامران و کامیار، برای خرید پرده، همراه مادر به بازار بروند. آخر، از زمانی که به خانه‌ی جدید آمده‌بودند، فرصت این کار پیش نیامده‌بود. آن دو برای این که آفتاب تیز تابستان اذیتشان نکند، با کاغذ روزنامه و چسب نواری، پنجره را پوشانده‌بودند. منظره‌ی زشتی داشت، ولی چاره‌ای نبود.

در بازار پارچه‌فروشی، آن دو به هر پارچه‌ی رنگارنگی که می‌رسیدند، عجلانه تصمیم به خرید می‌گرفتند. مادر مخالفت می‌کرد. استدلال مادر این بود که باید تناسبی بین پرده، بقیه‌ی وسایل و در و دیوار اتاق باشد تا احساس زیبایی به ما دست دهد. دست آخر با بی‌میلی پارچه‌ای را به سلیقه‌ی مادر خریدند و برگشتند. فردای آن روز وقتی مادر پرده را دوخت و به کمک پدر، کامیار و کامران آن را نصب کرد، لبخندی به نشانه‌ی رضایت بر لبان آن دو نشست.

بسیار زیبا بود. تصوّر کنید که کف اتاق آن‌ها با موکت سبزی پوشیده شده‌بود و طرح پرده و هماهنگی آن با طرح کاغذدیواری، این احساس را ایجاد می‌کرد که انگار در یک چمنزار زیبا، گل‌ها و گیاهان رنگارنگ، با تناسب رنگ بسیاری، روییده‌اند. شعرا و نویسندگان هم، از همین روش برای ایجاد زیبایی در نوشته‌ی خود بهره می‌گیرند؛ به این معنی که از واژگانی استفاده می‌کنند که نوعی ارتباط یا تناسب معنایی ایجاد کند؛ مثلاً در درس اول (زنگ آفرینش) واژگانی چون: نوبهار، جنگل، سبز، برگ، شبنم، گل، آفتاب، آسمان، ابر، آب، دانه، زمین، باغ، سبز، غنچه، نسیم، بلبل، جوجه‌گنجشک، شاخه، باد، افق، کبوتران و زنجره، چنان با هم ارتباط معنایی ایجاد کرده‌اند که خواننده خود را یکسره در دامن طبیعت و جنگل احساس می‌کند.

در شعر «با بهاری که می‌رسد از راه»، در یک بند، با کلماتی چون نسیم، جوانه، درخت، شکوفه و بهار روبه‌رو می‌شوید که با هم ارتباط معنایی دارند و متناسب هستند. این آرایه را مراعات نظیر می‌گویند؛ در این آرایه، شاعر یا نویسنده خود را ملزم به رعایت نظایر یک چیز می‌کند؛ مانند:

نام چند گل:

ارغوان جام عقیقی به سمن خواهدداد چشم نرگس به شقایق نگران خواهدشد «حافظ»

نام عناصر طبیعت:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند خواهدداد تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری «سعدی»

### آیامی دانید که...

به جملات زیر توجه کنید:

در دلش ایمان و مهربانی موج بزند.

از چهره و نگاهش امیدواری و نشاط بجوشد.

در جمله‌ی اول، ایمان و مهربانی به دریا تشبیه شده ولی هیچ نامی از دریا برده نشده‌است.

در جمله‌ی دوم، امیدواری و نشاط به چشمه تشبیه شده ولی هیچ اسمی از چشمه برده نشده‌است.

با دقت بیشتر درمی‌یابیم که ویژگی «موج‌زدن» و «جوشیدن» که از دریا و چشمه در جملات بالا وجود دارد، ما را به وجود تشبیه، راهنمایی کرده‌است؛ این آرایه را **استعاره** می‌گویند.

استعاره در حقیقت تشبیه‌ی است که یکی از دو طرف آن (مشبّه یا مشبّه‌به) حذف شده‌است، ولی یک ویژگی از آن طرف حذف شده قرض می‌گیرند تا شباهت مشخص شود؛ مانند:

در جمله‌ی اول، ایمان و مهربانی (مشبّه) به دریا (مشبّه‌به) تشبیه شده ولی به جای خود دریا، موج‌زدنش ذکر شده‌است.

در جمله‌ی دوم، امیدواری و نشاط (مشبّه) به چشمه (مشبّه‌به) تشبیه شده ولی به جای خود چشمه، جوشیدنش ذکر شده‌است.



۹۱- در کدام گزینه آرایه تشبیه به کار نرفته است؟

- (۱) آسمان مثل یک تبسم شد  
(۲) مثل یک چشمه سار، جاری شو  
(۳) زندگی بر تو می زند لبخند  
(۴) مثل یک شاخه گل جوانه بزن

۹۲- در کدام گزینه، نهاد جمله به درستی مشخص شده است؟

- (۱) بر درختی، شکوفه‌ای خندید (۲) در کتابی بهار معنا شد  
(۳) باز چشم جوانه‌ای وا شد (۴) زندگی بر تو می زند لبخند

۹۳- کدام گزینه هم خانواده «بصیرت» است؟

- (۱) مبصر (۲) صبور (۳) نصرت (۴) صورت

۹۴- در کدام گزینه آرایه مراعات نظیر به کار نرفته است؟

- (۱) با بهاری که می‌رسد از راه  
(۲) بر درختی شکوفه‌ای خندید  
(۳) مثل یک شاخه گل جوانه بزن  
(۴) زندگی بر تو می‌زند لبخند
- سبز شو تازه شو بهاری شو  
در کتابی بهار معنا شد  
مثل یک چشمه سار، جاری شو  
هست وقت شکفتنت امروز

۹۵- زمان فعل کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- (۱) نوشتن به خط خوش، زندگی را از شکوفه‌های محبت و امید به آینده، سرشار می‌سازد.  
(۲) آن همه کتاب‌های خوب و مطالب آموختنی، ما را به سوی خود می‌خواندند.  
(۳) بزرگ‌ترها معمولاً با حسرت و آه از دوران نوجوانی یاد می‌کنند.  
(۴) استقلال طلبی، کنجکاو، شوق یادگیری و دانایی، نوجوان را گاهی ناآرام جلوه می‌دهد.

۹۶- در عبارت زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

«نوجوانی دوره‌ای شبیه به روپا و زیبا است. زیبایی و قشنگی آن را با کم حوصله‌گی و دل خوری‌های بیهوده، زشت و تاریک نکنیم. می‌توانیم از لحظه‌های زندگی لذت ببریم و جویبار باصفا، ذلال و گوارای زندگی را گل آلود نسازیم.»

- (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۹۷- افعال کدام گزینه برای جاهای خالی در عبارت: «اگر نیروی جوانی، شادابی و چالاکی این دوره را با تأمل، تفکر و بصیرت همراه .....» به شکوفایی ..... مناسب نیست؟

- (۱) کنیم، خواهیم رسید (۲) کنید، می‌رسید (۳) می‌کردیم، می‌رسیدیم (۴) کنند، می‌رسیدند

۹۸- شخص فعل کدام گزینه با بقیه تفاوت دارد؟

- (۱) با بهاری که می‌رسد از راه (۲) زندگی بر تو می زند لبخند (۳) بر درختی شکوفه‌ای خندید (۴) مثل یک شاخه گل جوانه بزن

۹۹- در کدام گزینه آرایه تشبیه به کار رفته است؟

- (۱) جویبار باصفا و گوارای زندگی را گل آلود نسازیم.  
(۲) این همه کتاب خوب و مطالب آموختنی ما را به سوی خود می‌خواند.  
(۳) تمیزی و آراستگی، ما را با زیبایی‌های جهان پرشکوه الهی همراه و همسایه می‌کند.  
(۴) دوره‌ی نوجوانی که اکنون کنار دروازه‌اش ایستاده‌ایم، به ما خوش آمد می‌گوید.

۱۰۰- در کدام گزینه تناسب نهاد و فعل رعایت شده است؟

- (۱) او با تو آمدید (۲) تو با من بیا (۳) ایشان و شما بروند (۴) من با تو می‌مانیم

۱۰۱- نوع کدام جمله با بقیه متفاوت است؟

- (۱) زندگی بر تو می زند لبخند (۲) هست وقت شکفتنت امروز (۳) باز چشم جوانه‌ای وا شد (۴) مثل یک چشمه سار، جاری شو

۱۰۲- بیت: «با بهاری که می‌رسد از راه / سبز شو تازه شو بهاری شو» چند جمله است؟

- (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۱۰۳- نهاد کدام گزینه از جمله حذف شده است؟

- (۱) هنگام ورزش کردن، خون سریع‌تر در بدن می‌گردد.  
(۲) ز سستی کژی زاید و کاستی  
(۳) در روزگاران پیشین، کودکان را در سپیده دم به ورزش وامی‌داشتند.  
(۴) هر روز کودکان، پس از تمرین‌های صبحگاهی به دبستان می‌رفتند.



- ۱۰۴- برای جاهای خالی در عبارت زیر، فعل‌های کدام گزینه مناسب است؟  
 رابطه و رفتار ما با خود، خانواده و دوستان بسیار مهم ..... چون شخصیت ما را شکل ..... دوستانی خوب ..... که گفتارشان درست و رفتارشان پسندیده .....
- (۱) است، می‌دهند، اند، باشد (۲) اند، می‌دهد، است، باشند (۳) است، می‌دهد، اند، باشد (۴) اند، می‌دهند، است، باشند
- ۱۰۵- کدام گزینه ترکیب اضافی نیست؟  
 (۱) شکوفه‌های محبت (۲) آفریدن نوشته‌ها (۳) زیبایی‌های جهان (۴) دل‌خوری‌های بیهوده
- ۱۰۶- کدام گزینه اضافه‌ی تشبیه‌ی است؟  
 (۱) کتاب آفرینش (۲) مهارت‌های دلنشین (۳) شوق یادگیری (۴) شگفتی‌های طبیعت
- ۱۰۷- در جمله‌ی: «از شدت تشنگی، لب‌های او کاملاً خشکیده بود.» نهاد، کدام گزینه است؟  
 (۱) لب‌ها (۲) او (۳) تشنگی (۴) شدت
- ۱۰۸- در جمله‌ی «رعایت مقررات و قوانین راهنمایی و رانندگی بر همه واجب است.» نهاد، کدام گزینه است؟  
 (۱) رعایت (۲) همه (۳) واجب (۴) مقررات و قوانین
- ۱۰۹- اگر کلمات بیت: «بهر از هر چه هست در دنیا/ با خدا رازگفتنت امروز» را مرتب بنویسیم، آخرین واژه چیست؟  
 (۱) بهتر (۲) هست (۳) امروز (۴) هر چه
- ۱۱۰- نهاد در عبارت: «یادگیری مهارت‌های دلنشین هنری، زندگی را از شکوفه‌های محبت و امید به آینده سرشار می‌سازد.» کدام گزینه است؟  
 (۱) یادگیری (۲) زندگی (۳) شکوفه‌ها (۴) سرشار



- ۹۱- گزینه‌ی (۳) استعاره دارد نه تشبیه؛ زندگی همانند انسان لبخند می‌زند؛ چون مشبّه به (انسان) حذف شده، استعاره است. تشخیص هم نوعی استعاره است.
- ۹۲- گزینه‌ی (۴) درخت و کتاب، متمم‌اند (در درس‌های بعد توضیح داده می‌شود) و جوانه، مضاف‌الیه است.
- ۹۳- گزینه‌ی (۱) مبصر: (ب ص ر)، صبور: (ص ب ر)، نصرت: (ن ص ر)، صورت: (ص و ر).
- ۹۴- گزینه‌ی (۴) در گزینه‌ی ۱: بهار، سبز، تازه و بهاری. در گزینه‌ی ۲: درخت، شکوفه و بهار. در گزینه‌ی ۳: شاخه گل، جوانه و چشمه‌سار.
- ۹۵- گزینه‌ی (۲) این جمله گذشته است و بقیه، حال‌اند.
- ۹۶- گزینه‌ی (۲) شکل صحیح غلط‌ها در گزینه‌های دیگر: رؤیا، کم‌حوصلگی و زلال.
- ۹۷- گزینه‌ی (۴)
- ۹۸- گزینه‌ی (۴) دوم‌شخص مفرد است و بقیه، سوم‌شخص مفردند.
- ۹۹- گزینه‌ی (۱) جویبار باصفا‌ی زندگی، اضافه‌ی تشبیه‌ی است.
- ۱۰۰- گزینه‌ی (۲) در گزینه‌ی ۱، او، نهاد است، بنابراین فعل باید سوم‌شخص مفرد باشد. در گزینه‌ی ۲، تو، نهاد است، بنابراین فعل باید دوم‌شخص مفرد باشد. در گزینه‌ی ۳، ایشان و شما، بر روی هم نهاد هستند ولی فعل در این موارد برای مخاطب می‌آید نه برای شخص غایب؛ مثال: تو و او بروید. در گزینه‌ی ۴، من، نهاد است و فعل باید اول‌شخص مفرد باشد. توجه داشته باشید اگر دو ضمیر یا اسم با «و» یا «یا» به هم وابسته باشند، جمع به حساب می‌آیند، مثلاً من و تو می‌مانیم، من یا تو بمانیم.
- ۱۰۱- گزینه‌ی (۴) گزینه‌ی ۴ جمله‌ی امری است و بقیه‌ی گزینه‌ها، خبری‌اند.
- ۱۰۲- گزینه‌ی (۳) با بهاری که می‌رسد از راه ۱/ سبز شو ۲/ تازه شو ۳/ بهاری شو ۴
- ۱۰۳- گزینه‌ی (۳) خون، کزی و کاستی و کودکان در گزینه‌های دیگر نهادند.
- ۱۰۴- گزینه‌ی (۳)
- ۱۰۵- گزینه‌ی (۴) موصوف و صفت است.

- ۱۰۶- گزینه‌ی (۱) آفرینش (مشبّه) به کتاب (مشبّه‌به) تشبیه شده، از جهت قابل مطالعه بودن.  
 ۱۰۷- گزینه‌ی (۱) او و تشنگی، پس از کسره قرار دارند، بنابر این مضاف‌الیه‌اند و قبل از شدت نیز «از» قرار دارد که متمم بودن آن را نشان می‌دهد.  
 ۱۰۸- گزینه‌ی (۳) چون فعل جمله اول شخص جمع است باید نهاد «ما» باشد که حذف شده‌است. جویبار، مفعول، زندگی مضاف الیه و باصفا صفت است.  
 ۱۰۹- گزینه‌ی (۱) امروز با خدا رازگفتنت از هر چه در دنیا هست، بهتر (است)  
 ۱۱۰- گزینه‌ی (۱) زندگی: مفعول؛ شکوفه‌ها: متمم؛ سرشار: مسند.

### کژال

## روان خوانی

### کلمه و ترکیب‌های مهم

کنایه از فرزند	پاره‌ی تن	شاداب، سالم	سر حال
مادر	دایه	پارچه‌هایی که نوزاد را در آن می‌پیچیدند	قنداقه
به حالت موییدن، گریه‌کنان	مویه‌کنان	فرزند پسر	رؤله
صدای خُر خُر حیوان	خرناسه	نوعی پاپوش قدیمی زنانه از جنس لاستیک	گالش
بیکار	معطل	مات و مبهوت ماند.	خشکش زد
فرصت، مهلت	مجال	به سرعت دوید.	خیز کرد
خیره شدن	زل زدن	ستون چوبی وسط خیمه	تیرک
تلاش، تکاپو	تقلا	گریه کردن	زار زدن
کنایه از خشم نشان دادن	دندان بر دندان ساییدن	ابزاری در کشاورزی برای شخم زدن، گاواهن	خیش

### هم خانواده‌ها

مجال	مجال	عاطل، تعطیل	معطل
جولان			

### آیامی دانید که...

به این جمله توجه کنید:

کژال برسرزنان می‌دوید.

یعنی کژال در حالی که بر سر خود می‌زد، می‌دوید.

برسرزنان: در حالت زدن بر سر

با افزودن «ان» به آخر بن مضارع بعضی افعال می‌توان قید حالت درست کرد: دوان، سوزان، روان، خندان، خنده‌کنان،

علی‌گویان، نفس‌نفس‌زنان، افتان و خیزان و ....



- ۱۱۱- عبارت «کژال به دنبال گرگ، زمین را خیش می کشید» به چه معنی است؟  
 (۱) خود را روی زمین می کشید.  
 (۲) افتان و خیزان به دنبال گرگ می رفت.  
 (۳) سعی می کرد توجه گرگ را به خویش جلب کند.  
 (۴) به دنبال گرگ با پاهایش روی زمین صدا ایجاد می کرد.
- ۱۱۲- شخص فعل کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟  
 (۱) در خیابان های شهرهای اسلامی بانگ اذان را می شنوید.  
 (۲) این همه خرابی را از دخالت های بیگانگان می دید.  
 (۳) آیا او این همه اعتراض به حضور بیگانگان را نمی دید؟  
 (۴) هیچ گاه در غربت نیز از یاد سرزمینش دل نمی برید.
- ۱۱۳- با توجه به داستان کژال، کدام گزینه با مفهوم عبارت: «او می دوید اما تپه انگار تیرکی شده بود، مستقیم به سوی آسمان» تناسبی ندارد؟  
 (۱) شیب تپه زیاد به نظر می آمد.  
 (۲) بالارفتن از تپه سخت بود.  
 (۳) سیاهی تپه به سوی آسمان کشیده شده بود.  
 (۴) شیب تپه، توان کژال را کاسته بود.
- ۱۱۴- در عبارت: «تن کژال مثل علفی در باد می لرزید.» وجه شبه چیست؟  
 (۱) لرزیدن (۲) ترسیدن (۳) گریختن (۴) سرد شدن
- ۱۱۵- در عبارت: «صدای نازک گریه اش، سنگ های بیابان را می خراشید.» چه آرایه ای هست؟  
 (۱) استعاره (۲) مبالغه (۳) تشبیه (۴) تشخیص
- ۱۱۶- کدام گزینه با مفهوم عبارت: «صدای زوزه اش، پوست بر تن کژال خراشید.» ارتباط کمتری دارد؟  
 (۱) او را ترسانند. (۲) چندشش شد. (۳) تنش را زخمی کرد. (۴) روحیه اش را ضعیف کرد.
- ۱۱۷- کدام گزینه برای پر کردن جای خالی در عبارت زیبای سعدی مناسب است؟  
 «برادر که در بند ..... است، نه برادر و نه ..... است.»  
 (۱) خویش، خویش (۲) خویش، خویش (۳) خویش، خویش (۴) خویش، خویش
- ۱۱۸- کدام دسته از افعال برای پر کردن جاهای خالی در عبارت زیر مناسب تر است؟  
 دشت، صدای کژال را به خودش ..... گرگ دست هایش را مثل تیغی داس در هوا ..... و به سمت کژال ..... کژال هر چه در توان ..... در پاها.....
- (۱) برگرداند، می چرخاند، می جهید، داشت، ریخت  
 (۲) برمی گرداند، می چرخاند، می جهید، داشت، ریخت  
 (۳) برمی گردد، می چرخاند، می جهید، داشت، می ریخت  
 (۴) برگرداند، می چرخاند، می جهید، می داشت، ریخت
- ۱۱۹- در عبارت: «دشت یک پارچه، صدا شده بود.» «یک پارچه» با کدام معنی بی تناسب است؟  
 (۱) یک دست (۲) تماماً (۳) سراسر (۴) پیوسته
- ۱۲۰- ساختار کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟  
 (۱) مویه کتان (۲) برس زنان (۳) جیغ زنان (۴) دست فروشان



- ۱۱۱- گزینه ی (۲) در روزگاران گذشته که وسایل امروزی مثل تراکتور و گاوا آهن های فلزی پیش رفته نبود، کشاورزان با وسیله ای چوبی با لبه ای فلزی به نام خیش که آن را به پشت حیوانات می بستند، زمین را شخم می زدند. نویسنده در این عبارت، حالت افتان و خیزان راه رفتن کژال را به دنبال گرگ، شبیه با زحمت راه رفتن حیوانی تصویر کرده که خیشی را به دنبال خود می کشد.  
 دوم شخص جمع است و بقیه، سوم شخص مفرد.
- ۱۱۲- گزینه ی (۱)  
 ۱۱۳- گزینه ی (۳)  
 ۱۱۴- گزینه ی (۱)  
 ۱۱۵- گزینه ی (۲)  
 ۱۱۶- گزینه ی (۳)  
 ۱۱۷- گزینه ی (۱)  
 ۱۱۸- گزینه ی (۱)  
 ۱۱۹- گزینه ی (۴)  
 ۱۲۰- گزینه ی (۴)
- صدا که قطعاً قادر به خراشیدن سنگ های صحرا نیست، در واقع، این عبارت می خواهد نهایت سوزناک بودن صدای کژال را بیان کند.  
 این هم یک جمله ی مبالغه آمیز است و در واقعیت اتفاق نمی افتد.  
 برادری که مدام به فکر خودش باشد، نه تنها برادر نیست؛ بلکه قوم و خویش هم به حساب نمی آید.  
 پیوسته به معنی به دنبال هم و همیشه است و با این عبارت، بی تناسب است.  
 در گزینه ی ۴ «ان» علامت جمع است و در گزینه های دیگر، پسوند قید حالت است.